روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

سه‌شنبه | ۱۴فروردین ۱۴۰۳ | ۲۲رمضان ۱۴۴۵ | ۲ آوریل ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۴۰۰۵ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۷ سال و ۱۹۱ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4005 | TUE.APR.02, 2024 | ISSN:2008-2886

دیدارهای مهم رئیس دفتر سیاسی حماس و دبیر کل جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب

مردم غزه پیروز نهایی میدان هستند

صفحه ۲

وزیر راه با اشاره به ساخت مسکن برای اقشار در سال جدید خبر داد

هر ماه افتتاح مسکن

صفحه ۳

رهبر انقلاب سال ۱۴۰۳ را سال «جهش تولید با مشارکت مردم» نامگذاری کردند

پرونده «وطن امروز»؛ بایسته‌ها و زمینه‌های حضور و مشارکت مردم در اقتصاد برای تحقق جهش تولید

ریل اقتصاد مردمی

صفحات ۲، ۳ و ۵

عکس: khamenei.ir

تیترهای امروز

حمله جنگنده F35 رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولی سفارت ایران در دمشق

در این حمله سردار محمدرضا زاهدی از فرماندهان ارشد مقاومت به شهادت رسید

جنون نتانیاهو

■ امیرعبداللهیان: نتانیاهو از تعادل خارج شده است

■ سازمان ملل: نگرانیم

صفحه ۷

ضربه سنگین حزب عدالت و توسعه در انتخابات شهرداری‌های ترکیه

اردوغان در شوک شکست

صفحه ۷

عصر دیروز روزه‌داران در سراسر کشور در سالروز شهادت حضرت علی(ع) به سوگ نشستند

اجتماع بزرگ عزاداران علوی

در مشهد و قم دسته‌های بزرگ عزاداری در عزای مولا علی(ع) بر سر و سینه زدند

صفحه ۴

یادداشت روز

تأمین مالی صنایع مقدمه جهش تولید

[حمیدرضا غزنوی]

امسال نیز مقام معظم رهبری، اقتصاد و تولید را به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین مساله کشور مطرح کردند اما شعار امسال یک تفاوت عمده با سال‌های قبل دارد؛ تاکید بر حضور مردم در تولید، مهمی که باید در افکار عمومی و حتی در بین نخبگان تبیین و تفسیر شود. واقعیت آن است تا مادامی که مردم حضور فعال در تولید نداشته باشند، نمی‌توان انتظار پیشرفت و رشد اقتصادی از یک کشور را داشت. فروش نفت یا مواد خام تا یک جایی می‌تواند اسباب کسب درآمد یک کشور باشد اما توسعه بلندمدت با فعال شدن بخش خصوصی اتفاق می‌افتد. رهبرانقلاب با شعاری که برای سال ۱۴۰۳ تعیین کردند، می‌خواهند آحاد جامعه را برای فعال شدن در اقتصاد کشور دعوت کنند. نخستین موضوعی که در این میان به ذهن متبادر می‌شود، آن است که مردم یک واحد اقتصادی کوچک را با تسهیلات بانکی راه بیندازند و سهمی در تولید ملی کشور هر چند کوچک ایفا کنند. به عقیده من، این مسیر را کشور در سال‌های قبل در موضوع بنگاه‌های کوچک، متوسط و زودبازده رفته و نتیجه لازم احصا نشده است.

برای فعال شدن چرخ‌دنده‌های کوچک لازم است چرخ‌دنده‌های بزرگ فعال شوند و با حرکتی که می‌کنند دیگر بخش‌های اقتصادی را نیز به حرکت در بیاورند. واقعیت این است که تولید، یک چرخه است و نباید به آن تک‌بعدی نگاه کرد.

با فعال شدن چرخ‌دهنده‌های بزرگ است که می‌توان امیدوار به بهبود اشتغال نیز بود. فراموش نکنیم امروز تولید و صنعت به سمت تکنولوژی‌های جدیدی رفته است که رسیدن به آنها نیاز به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ دارد و این مهم در توان واحدهای کوچک و متوسط نیست. این اشتباه است که اول چرخ‌دنده‌های متوسط و خرد را راه بیندازیم و بعد چرخ‌دنده‌های بزرگ تقویت شده و توسعه پیدا کنند. این تجربه در کشورهای دیگر نیز محقق شده است اما متاسفانه در کشور ما یک بینشی است که این مسیر را برعکس پیش می‌برد.

ما می‌توانیم با آمار اقتصادی خوشبینانه روحیه دهیم، این می‌تواند باعث افزایش امید شود ولی از طرفی ما را از تحرک وا می‌دارد که بخواهیم شرایط بد را بهتر کنیم یا شرایط خوب را عالی کنیم. آمارها در رابطه با رشد اقتصادی نشان می‌دهد برنامه‌ریزی اقتصادی ما در سال ۱۴۰۲ برنامه‌ریزی مطلوبی نبوده است، رشد اقتصادی در فصل اول که همه مراجع رسمی تایید کردند ۷،۹، در فصل دوم ۷،۱ و در فصل سوم ۵،۱ بوده است که این تداوم کاهشی، در فصل چهارم نیز به احتمال ادامه داشته است. این آمار با احتساب نفت بوده است و بدون نفت در فصل اول ۶،۱، فصل دوم ۴،۲ و فصل سوم ۲،۵ و در بخش صنعت در فصل اول ۰،۴، در فصل دوم ۷،۲ و در فصل سوم ۱،۳ بوده است و در فصل چهارم نیز قطعا پایین‌تر خواهد بود.

از سویی شرایط و کسری تراز تجاری در ۱۱ ماه ۲ میلیارد و ۱۲۹ میلیون دلار بوده که نشان می‌دهد واردات بیشتر از صادرات بوده است. دلیل آن است که در صنعت درست کار نکردیم و سرریز منفی آن در صادرات آمده است و صادرات نیز کاهش پیدا کرده است.

صنعت منبع افزایش قدرت ملی کشورمان است. با توجه به شرایط جغرافیایی و جوی که داریم نمی‌توانیم بر کشاورزی تکیه کنیم و هرچه داریم باید به سمت صنعت ببریم. اگر از صنعت حمایت شود، صادرات نیز افزایش پیدا می‌کند.

هم‌اکنون تولیدات کارخانه‌ای بزرگ‌ترین مزیت کشور است که نشان داده اگر به این بخش توجه شود می‌توانیم حتی در منطقه نیز تاثیرگذار باشیم. حتی می‌توانیم کارخانه‌ها را در کشورهای دیگر توسط کارآفرین‌های ایرانی ایجاد کنیم و توسعه دهیم و در اقتصاد منطقه نیز نقش پررنگ‌تری داشته باشیم؛ متاسفانه نگاه مثبتی به این بخش نمی‌شود.

ادامه در صفحه ۵

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱

گفت‌وگوی «وطن امروز» با سیدحسین شرف‌الدین درباره عوامل و آسیب‌های وحدت ملی

انقلاب وحدت‌آفرین، رهبران وحدت‌آفرین

گفت‌و گو

هر ساله روز اول فروردین رهبر معظم انقلاب طی دیداری عمومی به بیان راهبردهای کلان کشور، ترسیم افق‌های پیش‌رو و عوامل تهدیدزای رشد و اعتلای کشور می‌پردازند. سال ۱۴۰۳ نیز بر همین منوال دنبال شد و ایشان در سخنرانی روز اول فروردین‌شان، مساله «اتحاد دل‌های مردم» و وحدت ملی را از منظر منافع ملی طرح کردند. در همین راستا با دکتر سیدحسین شرف‌الدین، جامعه‌شناس و عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) به گفت‌وگو پرداختیم تا پیرامون عوامل و تهدیدات اتحاد ملت ایران بحث و تبادل نظر کنیم.

■ طرح وحدت بدون لحاظ ملاک و محور چندان قابل تصور نیست. به نحو تاریخی جوامع و ملت‌ها بر چه اساسی به خود انسجام می‌بخشیدند؟ امروز این وضعیت دچار چه تطوراتی شده است؟

برای پاسخ به این سوال ابتدا مقدماتی را طی کنم تا پرسش را به صورت مبنایی پاسخ دهم. اساسا شکل‌گیری یک جمع انسانی در هر مقیاس ممکن، بدون فرض وجود دست‌کم یک عنصر مشترک و مورد وفاق برای ایجاد وحدت، همدلی و انسجام‌بخشی به ایده‌ها، امیال، اهداف، اراده‌ها و کنش‌های آنها غیرممکن است. به بیان دیگر، وجود یک عنصر کانونی مورد وفاق، شرط لازم برای شکل‌گیری و تداوم یک تشکل انسانی با اهداف و کارکردهای مورد انتظار شمرده می‌شود. این عنصر مشترک که بیشتر کارکرد وحدت‌بخش، یکپارچه‌ساز و انسجام‌آفرین آن مورد نظر بود، هرچیزی (حقیقی، اعتباری، ادعایی، برساختی) می‌تواند باشد. مطالعات تاریخی و مردم‌شناختی نیز نشان می‌دهد جوامع انسانی همواره برای تامین این مهم و نیاز اجتماعی اجتناب‌ناپذیر، به سیاست‌ها، ابزارها و شگردهای مختلفی حسب ظرفیت‌ها و امکانات محیطی خود توسل جسته‌اند. به بیان تمثیلی، نقش وجود عنصر وحدت‌آفرین در جامعه، مشابه نقش نخ تسبیح برای ایجاد هویت اتصالی و پیوستاری میان مهره‌های مختلف آن است.

نیازی به ذکر نیست که وجود انسانیت مشترک (هویت انسانی) و انتساب همه نفوس انسانی به حضرت آدم و حوا(ع) به دلیل اینکه همواره تحت‌الشعاع عوامل ثانوی بوده و همچنین به دلیل میدان‌داری و نقش‌آفرینی عوامل روبنایی در ایجاد وحدت و تفرقه میان تجمعات انسانی، قادر به ایفای نقش وحدت‌آفرین مورد انتظار نبوده است. امروزه حتی سازمان‌های حقوق بشری نیز نمی‌توانند نسبت به هاله‌ها و حباب‌های روبنایی مثل قومیت، ملیت، نژاد، جنسیت، فرهنگ، دین، زبان و تاثیرات تمایزبخش آن بی‌توجه باشند. از این رو برای ایجاد وحدت و انسجام میان ابنای بشر و اعضای خانواده حضرت آدم، نمی‌توان به عنصر انسانیت مشترک توسل جست و ایفای کارکردهای لازم را از آن انتظار داشت. اما درباره پرسش شما باید گفت عناصر موثر در ایجاد وحدت و همدلی میان گروه‌ها و جوامع انسانی که غالبا به صورت موردی و بعضا ترکیبی بدان‌ها استناد می‌شود، از این قرار است: ۱- داشتن نیا و دودمان مشترک حقیقی یعنی وجود پیوند خونی و نسبی میان یک جمع؛ عنصری که در اجتماعات کوچک سنتی، برخی اقوام، خویشان و خانواده‌های گسترده را به هم متصل می‌ساخت و اتحادی عمیق و گسست‌ناپذیر میان آنها برقرار می‌کرد؛ ۲- داشتن نیای ساختگی، اسطوره‌ای و تخیلی. ادعای برخی اقوام و قبایل بزرگ از جمله برخی اقوام ایرانی مبنی بر داشتن اجداد و نیای مشترک که عملا اثبات آن به لحاظ تاریخی و نسب‌شناسی غیرممکن است. مردم‌شناسان این نوع دعاوی را صرفا ترفندی برای ایجاد وحدت و یکپارچگی در میان افراد و خانواده‌های مختلف ساکن در یک قلمروی مسکون می‌دانند. به بیان دیگر، آنچه مجوز طرح این پندار و انگاره شده، تامین ملزومات زیرساختی برای تحقق یک ضرورت سیاسی -اجتماعی یعنی وحدت و پیوستگی میان یک جمع مستعد تفرق و تقابل بوده است و اصل و نسب تاریخی نمی‌توان برای آن قائل شد؛ ۳ - داشتن توتم مشترک یا اعتقاد یک گروه به خاستگاه مشترک روحانی و تلقی خود به مثابه اعضای یک خانواده که حتی ازدواج درون گروهی با یکدیگر را نیز غیرمجاز می‌شمردند مولفه سوم است. طبق ادعای برخی جامعه‌شناسان (از جمله دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی)، این مرجعیت روحانی و قدسی، همواره با میانجی یک حیوان (یا گیاه یا پدیده طبیعی) که روح مشترک نیاکانی آنها را نمایندگی می‌کند، تبلور خارجی می‌یافت. توتم عامل پیوند میان برخی اقوام ابتدایی بوده است. دکتر علی شریعتی، وجود برخی اقوام ایرانی دارای نام‌های خانوادگی یا پیشوند حیوانی مثل سگوند، شغال‌وند و... را از بقایای تفکر توتمی ارزیابی می‌کنند؛ ۴ -فرهنگ مشترک که عبارت است از توافق نسبی یک جمع در مجموعه‌ای از بینش‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، آرمان‌ها، اهداف، هنجارها، روابط مناسک، آیین‌ها، سبک‌ها، نمادها، اسطوره‌ها، هنر و ادبیات؛ ۵ - دین یا نظام اعتقادی مشترک نیز گاه به صورت مستقل و گاه به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ حاکم به عنوان یکی از بنیادی‌ترین عناصر وحدت‌آفرین میان جمع معتقدان و موالیان یک دین ذکر شده است. گفتنی است اخوت دینی علاوه بر ضرورت‌های سیاسی - اجتماعی، منشأ و خاستگاه اعتقادی و ایمانی، صبغه و سیاق قدسی و الهی نیز دارد. برخی جامعه‌شناسان مهم‌ترین و برجسته‌ترین کارکرد اجتماعی دین را ایجاد همبستگی ذکر کرده‌اند؛ ۶- نهادها و ساختارهای مشترک که در واقع محصول و نتیجه عناصر فوق و برآمده از زیست تاریخی طولانی‌مدت یک جمع با تجربه‌ها و تعاملات فرهنگی اجتماعی مشترک و متنوع است.

از عوامل دیگری نیز هرچند با اهمیت و نقش کارکردی محدودتر، به عنوان عناصر وحدت‌آفرین و انسجام‌بخش در مقیاس کلان نام برده شده است: سرزمین و قلمرو جغرافیایی مشترک مسکون، تاریخ و پیشینه تاریخی مشترک، نژاد مشترک، زبان مشترک، مشاهیر و چهره‌های برجسته و دارای وجهه و اعتبار قومی یا ملی و... از آن جمله‌اند. در شرایطی نیز وجود دشمن مشترک و تهدیدکننده کیان و منافع جمعی، بالقوه می‌تواند در کنار سایر عوامل، عامل انسجام درونی موقت یک جمع باشد. گفتنی است که حصول انسجام اجتماعی، همواره امری غالب و برساختی است؛ چه به‌ندرت می‌توان در میان آحاد مختلف یک جامعه اشتراک کامل در همه امور فوق را انتظار داشت.

گفتنی است متعاقب شکل‌گیری پدیده نوظهور و بی‌سابقه موسوم به «دولت -ملت» (Nation-state) ابتدا در برخی جوامع اروپایی (از نیمه دوم قرن هفدهم به این طرف) و سپس در سایر کشورهای جهان از جمله کشور ما (عمدتا در قرن بیستم)، ضرورت توجه به عناصر اشتراکی وحدت‌آفرین و بالاتر از آن، ملت‌آفرین، به غایت فزونی یافت. ظهور پدیده دولت -ملت یعنی شکل‌گیری مجموعه‌ای از واحدها و تشکلات سیاسی -اجتماعی بود تفکیک‌شده و متمایز (در مقیاس ملی) که شاخصه بارز و خصیصه غالب آنها برخورداری از یک حاکمیت سیاسی مستقل و مقتدر با همه اجزا و ارکان ساختاری، نهادی و سازمانی آن در مقیاس کلان و تشکیل یک جامعه مستقل با محوریت و مرجعیت یک حاکمیت سیاسی دارای پیوند ارگانیک یا کلیت نظام اجتماعی بود که علی‌الفرض همه تنوعات و تکثرات درونی را نمایندگی می‌کرد. از این رو وجود یک عنصر کانونی یا مجموعه‌ای از عناصر معنایی مورد وفاق برای ایجاد وحدت و یکپارچگی میان همه گروه‌های متعدد و متکثری که به‌رغم تمایزات قومی، نژادی، زبانی، مذهبی، فرقه‌ای، ایدئولوژیکی و صنفی مختلف در چارچوب یک واحد سیاسی - اجتماعی نوپدید تحت عنوان کشور، ملت، جامعه و... تجمع یافته بودند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر یافت.

طرح ایده نه‌چندان روشن ملت و ملیت (نیشن) با پژواک‌های ایدئولوژیکی خاص آن تحت عنوان ملت‌گرایی، میهن‌گرایی، وطن‌خواهی، وطن‌دوستی، وطن‌پرستی و... عمدتا با همین هدف یعنی تامین یک عنصر هویتی انسجام‌بخش در فراسوی عناصر وحدت‌بخش پیشین، موضوعیت بلامنازع یافت.

به بیان دیگر، هدف اصلی از ساخت و برساخت اسطوره ملت و میهن، ایجاد مرجعیتی پنداری و تخیلی برای ادغام همه خودهای متنوع و متکثر در یک خود بزرگ و ملی بود. بی‌شک ضرورت طرح این ایدئولوژی در جوامعی که دین در آنها به حاشیه رانده شده و کارکردهای اجتماعی آن از جمله هویت‌بخشی و وحدت‌آفرینی تحت تاثیر غلبه سکولاریسم بشدت تضعیف شده بود، ضرورت افزون‌تری یافت.

ناسیونالیسم عمدتا با توسل به مولفه‌هایی که مدعی اشتراک آنها در میان آحاد و گروه‌های مختلف یک ملت بود، نقش وحدت‌بخش خود را به انجام رساند. عناصری همچون سرزمین و جغرافیای مشترک با مرزهای سیاسی معین و قلمرو حاکمیتی محدد و مشخص، میراث تاریخی مشترک، میراث فرهنگی مشترک (با مولفه‌های فوق‌الذکر)، میراث تمدنی مشترک مثل ابنیه تاریخی، صنایع و تکنولوژی‌ها و... ، همچنین مشاهیر تمدن‌ساز و مورد احترام یک جامعه از این جمله‌اند. گفتنی است که جوامع انسانی در ادامه مسیر ملیت‌گرایانه و استقلال‌طلبانه خود و تحت تاثیر برخی ضرورت‌ها و اقتضائات جامعه جهانی، رفته رفته به عناصر دیگری نیز به عنوان عناصر ملی یا نمادهای معرف ملیت رو آورند. ملیت هر جامعه، هم اینک به فهرست بلندی از عناصر ملیت‌آفرین در ادامه عناصر رکنی فوق هرچند به صورت مکمل استناد داده می‌شود؛ برای نمونه مرزهای ملی (ترسیم‌کننده گستره جغرافیایی و قلمرو نفوذ حاکمیت سیاسی یک ملت)، حاکمیت سیاسی ملی (با قوای مختلف)، قانون اساسی (و مجموعه قوانین مکمل و مشتق)، پرچم ملی، سرود ملی، واحد پول ملی، زبان یا زبان‌های رسمی، دین یا ادیان رسمی (پذیرفته‌شده در قانون اساسی)، اسناد هویتی معرف ملیت اشخاص (شناسنامه، کارت ملی و گذرنامه)، لباس ملی (که تنها در برخی کشورها مورد توجه قرار گرفته است)، رسانه ملی، بانک ملی، تیم ملی، خودرو ملی، احزاب ملی، عضویت در سازمان ملل و جامعه جهانی به عنوان یک ملت شناسنامه‌دار و...

■ حالا اگر بخواهیم به کشور خود بپردازیم؛ ایران امروز بر چه اساس و مولفه‌هایی توان انسجام‌بخشی به خود را دارد؟

خوشبختانه در کشور ما همه عناصر بنیادین (جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی، تمدنی، ساختاری، زبانی) برای ایجاد وحدت، همدلی، اتحاد و یکپارچگی در مقیاس ملی وجود دارد و در مقایسه با برخی جوامع عناصر مکمل و زمینه‌هایی نیز برای تقویت مستمر این بنیان‌ها تعبیه شده که همواره می‌تواند در تشدید و تقویت وحدت ملی موثر واقع شود. انطباق و همسویی نسبتا کامل میان ۲ هویت ملی و مذهبی، انسجام و یکپارچگی را در کشور، در بالاترین سطح ممکن مستقر ساخته است. این همسویی خود را در وحدت، همدلی و قیام یکپارچه ملت برای تحقق انقلاب اسلامی در سال ۵۷ متبلور ساخت. فرهنگ ملی نیز که برخی از جریانات ملی‌گرا و باستان‌گرا در یک قرن گذشته همواره از تقابل آن با فرهنگ دینی سخن می‌گفتند، به مرور زمان و بویژه تحت تاثیر انقلاب اسلامی، به نفع فرهنگ مذهبی تعدیل شد و در مسیر همسویی هرچه بیشتر با آن قرار گرفته است. تقابلات موضعی بین فرهنگ دینی منبعث از مذهب شیعه و خرده‌فرهنگ منبعث از مذهب سنی نیز به رغم تلاش برخی جریانات تجزیه‌طلب بهانه مناسبی برای اختلاف‌افکنی و ایجاد اختلال در همبستگی و یکپارچگی ملی تلقی نشد.

در کنار بنیادهای هویتی مشترک فوق‌الذکر می‌توان از عوامل دیگری نیز که در ایجاد و تقویت یکپارچگی ملی همواره موثر بوده‌اند، نام برد: تقارب اعتقادی شیعه و سنی در طول تاریخ به دلیل مجاورت و همنشینی و مشارکت جمعی در عرصه‌های مختلف ملی، مرجعیت الگویی بلامنازع شخصیت‌هایی مثل حضرت علی (ع) که مورد احترام قاطع فریقین قرار دارند، ...

ادامه در صفحه ۲

نگاه

وحدت ملی، از اقتصاد تا اخلاق

میثم رستمی*: در آغازین روزهای سال جدید به رسم هر ساله مقام معظم رهبری نکاتی را مطرح کردند که می‌توان آنها را اساسی‌ترین نیازهای کشور در حال حاضر قلمداد کرد. یکی از نقش‌های مهم رهبر انقلاب را باید در برجسته کردن امور مهم‌تر از میان امور مهم و گرا دادن به مسائل اساسی‌تر از میان مسائل اساسی دید. بر همین اساس نکات زیر قابل تامل است:

۱- بر اساس مشی معظم‌له در سال‌های اخیر، مهم‌ترین مشکل حال حاضر کشور اقتصاد است. از نامگذاری‌های اقتصادی پی‌درپی در دهه اخیر، تا توصیه‌ها و تاکیدهای متعدد معظم‌له، همه نشان از آن دارد که بزرگ‌ترین باری که بر دوش مسؤوولان و دلسوزان نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته است، سر و سامان دادن به وضعیت اقتصادی کشور و ریل‌گذاری درست برای حل مشکلات تورم، تولید و رونق و رشد اقتصادی است. از این رو صدای غالبی که از دولت فعلی و مجلس آینده توسط مردم شنیده می‌شود، باید سمت و سوی اقتصادی داشته باشد؛ صدایی که بتواند اعتماد مردم را جلب و آنها را به مسیر صحیح اقتصاد دعوت کند.

۲- یکی از نیازهای جدی کشور، در سطح خرد و کلان، برنامه‌ای مدون و عملیاتی در راستای وحدت ملی و احیای تعامل سازنده اجتماعی است. «نکته بعدی در باب منافع ملی، مساله اتحاد دل‌های مردم است. اتحاد عزم‌ها و اراده‌های مردم است. ما در این زمینه متاسفانه مشکلاتی داریم، عقب‌ماندگی‌هایی داریم؛ ارتباط و همدلی اجتماعی خیلی مهم است؛ در این زمینه دچار غفلت شدیم؛ خودمان به دست خودمان در وحدت ملی‌مان اختلال ایجاد می‌کنیم. همه ما در این غفلت شریکیم. همه ما وظیفه داریم که وحدت ملی را، اتحاد مردم را، اتحاد مردم و مسؤوولان را حفظ کنیم، روزبه‌روز آن را تقویت کنیم، این سیاست قطعی نظام جمهوری اسلامی از روز اول بوده است... توصیه می‌کنم به جوان‌های عزیزمان که سعی کنند در داخل جامعه نفرت‌پراکنی انجام نگیرد».

۳- متاسفانه در زمینه وحدت ملی و اتحاد دل‌های مردم ایران، نه‌تنها برنامه مدون و پیش‌دستانه‌ای نداریم، بلکه در تولید ادبیات وحدت ملی از نگاه دینی و نگاه ملی و ایجاد گفتمان وحدت در سطح حوزه و دانشگاه و رسانه ملی نیز کاری از پیش نبرده‌ایم.

۴- بی‌شک، مهار تورم یکی از اساسی‌ترین شرط تعمیق همدلی میان مردم و اتحاد مردم و مسؤوولان است. بر اساس روایت امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «غلاء السعر یسیء الخلق و یذهب بالامانه و یضجر المرء المسلم؛ گرانی اجناس باعث بد خُلقی و از بین رفتن روح امانتداری می‌شود

ادامه در صفحه ۶